

فوتبال واقعی فراموش خواهد شد؟



ماست آقای داور!

بگذارید بسیار شفاف و پوست‌کنده حرفم را با شما در میان بگذارم؛ ورزشگاه‌های خالی به همه اثبات کرد که بیشتر فهم ما از فوتبال نه از طریق بازیکنان بلکه از طریق هواداران به دست می‌آید. یک تکل خطرناک بدون واکنش هواداران روی سکو تنها یک تکل است! در استادیوم‌ها یک «اوه» که بعد از یک شوت خطرناک می‌گوییم با یک «آه» که پس از برخورد شوت به تیرک به زبان می‌آوریم، زمین تا آسمان تفاوت دارد ولی در یک ورزشگاه خالی هیچ‌کدام با هم فرق نمی‌کنند. پیش از این فکر می‌کردیم که هیجان فوتبال را بازیکنان حاضر در میدان رقم می‌زنند اما اکنون خوب می‌دانیم که انسان‌های متفاوت روی سکوها که فوتبال برای‌شان خود زندگی است، روح فوتبال را تشکیل داده‌اند و به آن معنای خاصی بخشیده‌اند. روح و معنایی که حالا بدون آنها به سمت پوچی رفته است.

یکی از مزایای محدود بازی پشت درهای بسته اما فرصتِ گوش دادن به لحظات بازی و در واقع افتادن پرده چهارم بود. تماشاگران دیدار برایتون و آرسنال پشت صفحه‌های نقره‌ای گیرنده‌های خود، فریادهای کرکننده «برند لنو» دروازه‌بان توپچی‌های لندن در حالی که پس از خطای سخت «نیل موپای»، روی زمین غلت می‌خورد را به وضوح شنیدند. بینندگان دیدار پارما و اینتر هم پس از آنکه هافبک نیجریه‌ای نراتزوری نتوانست توپ را برای مهاجم بلژیکی روی تیر دو ارسال کند، به احساس «روملو لوکاکو» نسبت به «ویکتور موزس» پی بردند. جایی که لوکاکو فریاد زد: «ویکتور، ویکتور، لعنتی!!»

شاید به همین دلیل نیز بود که در این هفته برخی تصمیم گرفتند تا روش متفاوتی را به ورطه آزمون بگذارند؛ روشی که اکنون در هنگام برگزاری مسابقات، صدایی به عنوان صدای اتمسفر یک شرکت «EA Sports» در

جاناتان لیو

مترجم: نوید صراف

رقابت‌های فوتبال در سراسر جهان بعد از وقفه ناشی از شیوع «کووید ۱۹» از چند هفته پیش از سر گرفته شد اما واقعیت این است که هیچ چیزی ما را آماده تماشای یک مسابقه فوتبال بدون حضور تماشاگران نکرده. هیچ چیز در این خصوص برای ما و شما عادی نشده. هنوز هم جای خالی تکتک هواداران روی سکوهای ورزشگاه‌های زیبا و رنگارنگ لیگ برتر خودنمایی می‌کند. من پنجشنبه شب برای تماشای دیدار تیم‌های چلسی و منچستر سیتی به ورزشگاه استمفوردبرج رفتم و پس از چک کردن دمای بدنم و پر کردن پرسشنامه‌ای درباره وضعیت سلامت، با چیزی روبه‌رو شدم که از نظر من بسیار ظالمانه و دردناک بود: فوتبال تا استخوان‌هایش لخت شده و حالا فقط به ماده خام ابتدایی‌اش خلاصه می‌شود!

شاید کمتر کسی فکرش را می‌کرد که این ماجرا تا این حد از جادوی فوتبال بکاهد اما حالا بزرگ‌ترین ورزشگاه‌های جهان نیز بدون حضور هواداران همانند یک اتاق چند متری، کوچک به نظر می‌رسد. سکوهایی که تشنه فریادها، حمایت‌ها، انتقادها، شعارهای هم‌زمان و اشک‌ها و لبخندها هستند. سکوهایی که فضای ورزشگاه را پر می‌کردند اما حالا در جای جای استادیوم‌ها، در هر صحنه، هر پاس و هر توپ هوایی، صدای بازیکنان است که در فضا می‌پیچد. پنجشنبه حتی در دورترین نقطه ورزشگاه استمفوردبرج نسبت به مستطیل سبز نیز صدای فریادهای «آنتونیو رودیگر» بر سر هم‌تیمی‌هایش را به وضوح می‌توانستید بشنوید، جایی که «کوبین دبروین» فریاد زد: «حالا حالا» و در انتظار پاس سریع هم‌تیمی‌هایش ماند. جایی که «رحیم استرلینگ» برای یک توپ به سمت داور رفت و با صدای بلند گفت: «توپ به سود

همین دلیل بسیاری از آنها فکر می‌کردند از فوتبال بیشتر از حاضرین در ورزشگاه لذت می‌برند. در نگاه نخست شاهد به آنها حق دهید؛ در مقایسه کسانی که در خانه خود نشسته و در کمال رفاه بازی تیم محبوب‌شان را به نظاره می‌نشینند با افرادی که با پرداخت قیمت‌های متنوع بلیت مسابقه، تحمل سیستم ضعیف حمل‌ونقل و سایر مشکلات موجود پا به استادیوم می‌گذارند، شاید کفه ترازو به سمت تماشاگران خانگی بچرید اما حالا همگان خوب به این حقیقت پی برده‌اند که بدون تماشاگران ورزشگاه، هیچ چیزی کیفیت سابق را نخواهد داشت. تماشاگرانی که فاکتور اصلی تولیدکنندگان محتوی هستند و به محصول زینت واقعی‌اش را می‌بخشند.

فوتبال تلویزیونی که این روزها شاهدش هستیم، یک نسخه جعلی از آن چیزی است که ما را عاشق خود کرد؛ نسخه‌ای جعلی که نه برای حفظ هویت آن بلکه صرفاً با هدف تداوم پول‌سازی به عنوان یک نمایش روی پرده رفته است. به همین دلیل نیز بهتر است از حالا خود را آماده پذیرش تغییرات جدید بکنیم و بدانیم با تداوم شرایط ویژه «ویروس کرونا»، پس از مدتی جمعیت تقلبی نیز در پس زمینه فوتبال اضافه خواهد شد. سرانجام ما و شما دیگر متوجه آن نمی‌شویم که کسی روی سکوها نیست و دیگر صندلی‌های خالی را نخواهیم دید. دیگر خیلی زود همگی فراموش می‌کنیم که تمام این اتفاقات درست در میان یک پاندمی جهانی رخ داده. پس از مدتی دیگر تمام چیزهای مصنوعی، به نظرمان طبیعی خواهند آمد. تا مدتی دیگر فوتبال با همین شرایط مصنوعی و بی‌روحش در ذهنمان جا خوش خواهد کرد؛ گویی پیش از آن تماشاگری نبوده، گویی فوتبال همواره همین بوده که حالا می‌بینیم. مدتی بعد همه چیز فراموش خواهد شد. خواهد شد؟

ورزشگاه‌ها پخش می‌شود و شبکه‌های پخش‌کننده بازی‌ها نیز به وسیله آن از صدای تماشاگران بازی «FIFA» برای ایجاد جو حاصل از حضور تماشاگران در ورزشگاه‌ها بهره می‌جویند.

تجربه‌ای که بسیاری از ما در گذشته مرز آن را چشیده‌ایم؛ بسیاری از ما که دسته‌های کنسول بازی را در دست گرفته و ورژن‌های مختلف «FIFA» را بازی کرده‌ایم. قشری که به خوبی می‌دانیم تصنعی بودن صدای ورزشگاه و هیجانات روی سکوها تا چه حد با واقعیت آن تفاوت دارد و حالا در این شرایط سخت فقط به آن دل خوش کرده‌ایم. به خوبی می‌دانیم و از حقیقت آگاهیم که این مساله یک پدیده سورئال است و سعی می‌کنیم تأخیر میان صحنه و واکنش مصنوعی روی سکوها را نادیده بگیریم اما حتی در این شرایط چه کسی تصمیم می‌گیرد که یک سوت داور مستحق هو شدن است یا خیر؟ سگربان تیم میهمان چقدر زمان می‌تواند تلف کند و مورد انتقاد قرار نگیرد؟

همه اینها نشان می‌دهد جمعیت حاضر در ورزشگاه‌های فوتبال، چیزی بسیار فراتر از افکت‌های صوتی است، بخشی زنده که نقش خون جاری در رگ‌های این ورزش را ایفا می‌کند. یک واحد همگانی که در آن صدای افراد به شکل انفرادی هم قابل شنیدن است. صدایی که بالا و پایین دارد و عموماً ۱۰ دقیقه پیش از سوت پایان بازی، ورزشگاه را برای غلبه بر ترافیک ترک می‌کند. واکنش آن تنها به اتفاقات داخل میدان محدود نمی‌شود و با همه چیز سروکار دارد. تماشاگرانی که گاهی شوخ‌طبع، گاهی بی‌احساس و گاهی نژادپرست هستند. خلاصه کردن این پدیده به چند دکمه برای هر فوتبال‌دوستی از جمله من، کاملاً ناراحت‌کننده است!

تماشاگران تلویزیونی به دیدن صحنه آهسته، مشاهده آمار زنده و بررسی آنالیز کارشناسان عادت داشتند و به